

خط نوشته ها، روی پارچه‌های دوره اسلامی

لیدا فتحی*

کارشناس ارشد گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

خط به عنوان یکی از مهم ترین شاخصه‌های هنر در دوران اسلامی، جایگاه والایی داشته و بر روی پارچه‌ها نیز کاربرد داشته است. این مقاله بر این راستاست که جایگاه و اهمیت خط نوشته را بر روی منسوجات ایران قرون ۴ هجری تا ۱۲ هجری از دیدگاه بصری و گرافیکی مورد بررسی قرار دهد. بدین منظور با بررسی‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و هنری ادوار مورد نظر و نیز با توجه به پژوهش‌های انجام شده درباره خط و پارچه در ایران اسلامی و تحلیل تصاویر بدست آمده از این ادوار مشخص شد که خط در پارچه‌ها علاوه بر کاربرد مفهومی و زیبایی شناسانه، به لحاظ گرافیکی در ترکیب بندی پارچه‌ها از جایگاه مهمی در کنار نقش برخوردار بوده است.

کلید واژگان: خط نوشته، پارچه، گرافیک.

۱ - مقدمه

چهارم هق تا پایان سده یازدهم هق در طول تاریخ ایران مصادف با دوران حکومت سلسله‌های قدرتمندی مانند: آل بویه، سلجوقی، ایلخانی، تیموری و صفوی در این سرزمین بوده است. دوره‌های درخشانی که در تاریخ فرهنگ و هنر ایران پس از اسلام شکل می‌گیرند و با سلطنت آخرین پادشاه صفوی به پایان می‌رسند. در این مقاله تلاش بر این است که با توجه به فرضیه‌های زیر: - شکل و مضمون خط نوشته‌ها بنا به محل استفاده در مراسم یا مکان‌های مذهبی و تشریفاتی متفاوت بوده‌اند. - خط نوشته‌ها به نسبت بافت، تغییراتی را نسبت به کتابت و یا کتیبه نگاری دارند. - خط نوشته با هنرهای دیگر (کتابت، کتیبه،...) ارتباط داشته است. - بین ارزشهای بصری و گرافیکی خط نوشته‌ها با معنا و مفهومشان رابطه وجود دارد به اهداف زیر دست پیدا کنیم: - تلاش در کشف راز و رمز روابط هندسه پنهان خط نوشته و کشف ارزشهای گرافیکی - امکان استفاده از دستاوردهای هنرمندان گذشته در جهت تغییر و تحول استفاده از خط در گرافیک امروز و جهت استفاده در پارچه‌های امروزی. امید که این مقاله گامی هر چند کوچک در راستای توجه بیشتر به هنر گذشتگانمان و تلاش در به کارگیری آن‌ها در هنر

ایرانیان در طول تاریخ برای هنر ارزشی خاص قایل بودند و به همین دلیل در این زمینه آثار ارزنده‌ای به جای گذاشتند که هم اکنون زینت بخش موزه‌های دنیاست. هنرمندان ایرانی با استفاده از هنر خطاطی و خوشنویسی و کاربرد آن در اشکال گوناگونی مانند کتیبه‌ها و انواع صنایع دستی مانند سفال، معرق، منبت، خاتم کاری، فلز کاری، پارچه بافی و... پایه‌های برخی از سمبل‌ها و نشانه‌های گرافیکی را بنا نهاده به طوری که مبانی برخی از آثار گرافیک امروز ایران با توجه به این مبانی شکل می‌گیرد و موجب می‌گردد تمام سبک‌های گوناگون خوشنویسی اسلامی به جایگاه مقرر و مقتضی خود دست یابند و موجبات خلق آثار ارزشمندی را فراهم سازند. اهمیت و ارزش آثار ایرانی، ما را بر آن می‌دارد که به تحقیق در رابطه با آثار گذشته خود بپردازیم. هنر ایرانی بسیار وسیع و از جوانب گوناگون قابل بررسی می‌باشد که یکی از آن جلوه‌ها در بافته‌های ایرانی است که خود اهمیتی ویژه دارد. در بافته‌ها دو وجه قابل بررسی می‌باشد یکی نوشتار و دیگری تصویر. نوشتار و تصویر در کنار هم بر روی پارچه‌ها موجبات خلق آثار هنری را فراهم آورده‌اند و هر یک در جایگاه خود نقشی ارزشمند دارد ولی تا بحال بیشتر به تصویر تنها توجه شده است؛ در این مقاله سعی شده نگاهی خاص به نقش نوشتار در بافته‌ها که بخشی از پیکره هنر ایرانی می‌باشد؛ داشته باشیم که همواره مکتوم مانده و یا کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. آغاز سده



معاصر برداشته و ما همواره در این راه مجدانه بکوشیم.
 حیوانات بیشتر توجه می‌شد و خطاطی نیز کم کم در کار طراحی و
 تزیینات به کار گرفته شدند [ص ۴، ۱۹۱ - ۱۹۰].



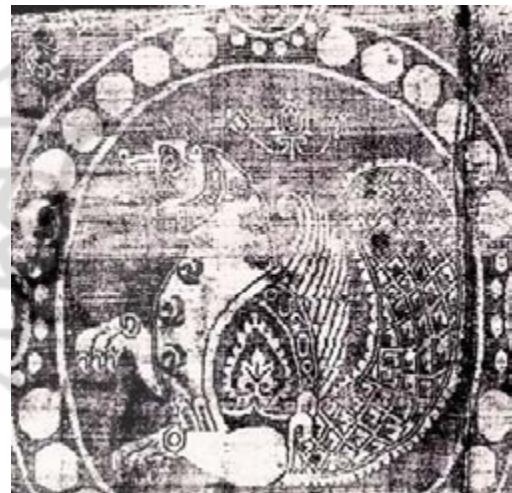
۲ - خط بر روی پارچه در دوران آل بویه

سلسله آل بویه که در ۳۱۰ - ۴۴۰ هجری بر سر کار آمد از نظر هنری، دوره‌ای بی نظیر است، چون در آن دوران پس از تجربه‌های زیاد، سنت‌های گذشته هنری با شرایط جدید منطبق و دمساز شدند [ص ۱، ۳۰۷ - ۳۰۴]. این دوران را دوره رنسانس و نوزایی علمی، فرهنگی و هنری می‌نامند زیرا در شکل‌گیری هنر اسلامی نقش مهمی را داشته است. از ویژگی‌های مهم و بارز هنر این دوران، وجود مفاهیم و عناصر مذهبی است و یکی از امتیازات این دوران نسبت به دوران ما قبل خود، پیشرفت در امور فرهنگی می‌باشد [ص ۲، ۱۳ - ۱۲].

هنر پارچه بافی ساسانی با اندکی تغییر در عصر آل بویه ادامه پیدا کرد (تصویر ۱).

تصویر ۱ - ۲ قرن ۴ هجری، توسط روم شرقی به سبک ایرانی [۹]

خط کوفی از خطوط رایج در این دوران بود که حضور آن را بر روی منسوجات این دوران نیز مشاهده می‌کنیم (تصویر ۲).



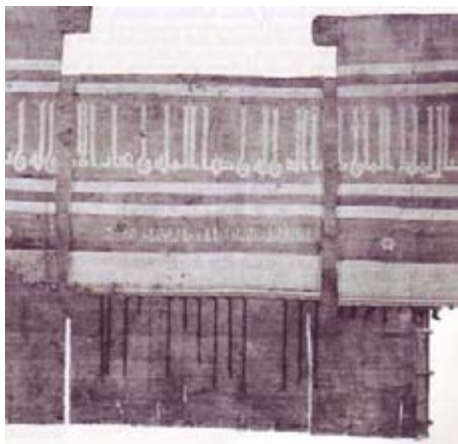
تصویر ۱ - ۱ سده اول تا دوم میلادی، بافته شده در ایران یا ماوراءالنهر [۹]

تصویر ۲ قرن ۴ هجری، کفن سن ژوس ابومنصور بختکین

طرز^۱ بخشی از شکوه، جلال و آداب و رسوم حکومتی است که نام پادشاهان یا ترسیم علائم ویژه آنان را روی پارچه‌های ابریشمی می‌آوردند و به وسیله الیاف طلا یا نخی که با زمینه اختلاف داشته باشند به وجود می‌آیند [ص ۵، ۹۵].
 ارنست کونل، طراز را به عنوان شکلی از هنر که در آن خوشنویس و بافنده چنان رقابت می‌کنند تا رمزگشایی حاشیه‌ها و براق‌های تزیینی را هرچه مشکل‌تر سازند، توصیف می‌کند

صنعت پارچه بافی در سرزمین‌های اسلامی بسیار پشتیبانی و حمایت می‌شد؛ طوری که پادشاهان برای پاداش به سران، خلعت‌های گرانبها از بافته‌های ابریشمی نفیس می‌بخشیدند و این پاداش‌ها به صورت یک سنت بود [ص ۳، ۷۷]. پارچه‌هایی مشتمل بر جامه‌ها و کفن‌ها و طاقه‌های پارچه، با نوشته‌های تدفینی و دینی که بر طبق اعتقادات شیعی آل بویه شکل گرفته‌اند و به عنوان پوششی برای روی تابوت استفاده می‌شدند، از این دوران به جا مانده‌اند. اهمیت پارچه بافی در این دوران در حدی بود که ناحیه‌های تحت حکومت آل بویه، مراکز مهم پارچه بافی شدند. در پارچه‌های این عهد، به طراحی صحنه شکار و طرح ساده شده

۱ - نقش و خط زینتی پارچه



تصویر ۳ - ۲: قرن ۴ هجری، کتیبه به نام خلیفه بویه بهاءالدوله

۳ - خط بر روی پارچه در دوران سلجوقیان

سلسله سلجوقی در ۵۳۵ - ۴۱۶ هجری بر سر کار آمدند. این سلسله از بزرگترین و مقتدرترین سلسله‌هایی هستند که بعد از اسلام در ایران حکمفرمایی کردند. ایران دوره سلجوقی از مهمترین تولیدکنندگان پارچه‌های نفیس کشورهای مدیترانه بود [۱، صص ۳۰۷ - ۳۰۴]. استعمال دو یا سه سطح مختلف تزیینی در کنار هم از مختصات هنر دوره سلجوقی است که تا دوران مغول و تیموری نیز ادامه یافت. سلجوقیان خود را حامی و مشوق صنعت می‌دانستند به طوری که مهمترین شاهکارهای صنعتی و معماری در ایران دوره سلجوقی به وجود آمده است و صنایعی مانند نساجی و سفال به درجه‌ای رسیدند که در طول تاریخ کمتر به آن درجه ترقی رسیده است [۸، صص ۱۴۲].

در دوران سلجوقی از کتیبه نگاری به وفور استفاده می‌شد و خط نسخ به صورت عمومی رواج پیدا کرد چه به تنهایی و چه در ترکیب با انواع مختلف تزیینی خط کوفی؛ که از میان آنها نوع هم تنیده اش برجستگی ویژه‌ای دارد [۱، صص ۴۹۶].

ترکان سلجوقی تأثیر فراوانی در صنعت نساجی داشتند زیرا صنایع و فنون، همزمان رونق گرفتند و این تأثیر در پارچه‌های ابریشمی این عصر نیز قابل مشاهده است. «نهضت عمومی شدن صنعت بافندگی، در دوران سلجوقی شروع شد که در این عمومی شدن دو عامل موثر بودند:

۱. تعلیمی که ایرانی‌ها به واسطه سلجوقیان از سبک‌های چینی فرا گرفتند و در اشکال تزیینی آن‌ها ترسیمات دقیق نباتات و پرندگان و حیوانات تجلی نمود (تصویر ۴).
۲. سبک‌های اسلامی در بین النهرین و موصل متداول شد و بته‌های نباتی و حاشیه‌ها به جای تزیینات ساسانی به کار رفتند» [۴، صص ۳۳۱].

[۶، صص ۳۷ - ۳۵].

پادشاهان در این عهد بر روی پارچه‌های طراز، اطلاعات تاریخی را نقش می‌زدند، به همین دلیل منسوجات این دوران شامل کتیبه‌هایی بود که به مکان و تاریخ آن‌ها اشاره داشت. کارایی پارچه بر اساس اینکه در کجاها استفاده شود، به نقش کار شده روی آن کمک می‌کرد. اگر یکی از بزرگان در این عصر می‌مرد، او را در ابریشم و زری و پارچه‌های نشان دار و گلدوزی شده می‌گذاشتند، به طوری که بسیاری از کفن‌های بدست آمده از این دوران از پارچه ابریشم دو پودی به همراه نوشته‌هایی به خط کوفی که بر روی آن‌ها کار شده، بودند و حتی در حاشیه اکثر پارچه‌ها نام محل بافت آن‌ها را می‌نوشتند و این نشانی از تنوع و رونق و گسترش صنعت نساجی و تجارت فراوان آن بود [۷، صص ۳۲]. نوشته روی پارچه‌ها بیشتر به صورت سوزن دوزی شده‌اند و یا حتی گاهی به صورت بافته شده می‌باشند که با بسم‌ا... آغاز شده و نام حاکم و عنوان او می‌آمد و سپس عبارتی شامل درود و سلام و در انتها محل تولید و تاریخ آن ذکر می‌شود. نوشته‌ها یا در زمینه ساده، جا می‌گیرند و یا به صورت حاشیه‌های باریک در کنار شکل‌های تجریدی یا نقش‌های حیوان یا پرند و در داخل ترنج‌ها قرار می‌گرفتند [۵، صص ۶۳ - ۶۲] (تصویر ۳).



تصویر ۳ - ۱: قرن ۴ هجری، پوشش قبر

پارچه‌های بدست آمده از این دوران که بسیاری را از تاریخ ثبت شده بر روی آن‌ها و یا از نوع بافت و شباهت شان با نمونه‌های دیگر می‌توان شناخت به منزله اسنادی مهم در تاریخ فرهنگ هستند و از نظر هنر بافندگی در طرح و هم در بافت، کمال امتیاز را دارا می‌باشند.



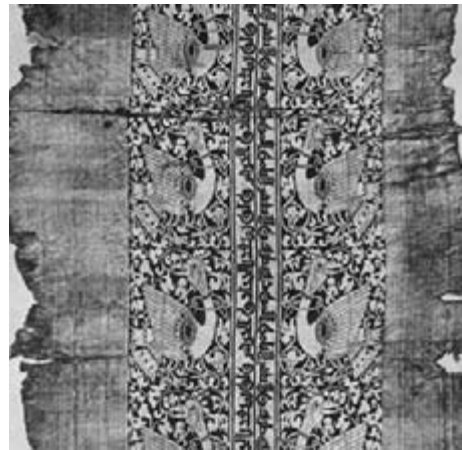
تصویر ۵ قرن ۶ هجری، ابریشم احتمالاً ایران

کتیبه در ترکیب نقوش پارچه‌ها سهمی عمده داشت و این بازتابی از تأثیر پارچه‌های طراز می‌باشد [ص ۱، ۳۵] (تصویر ۶).



تصویر ۶ قرن ۶ هجری، پیراهن با کتیبه به نام بهارالدوله

خط کوفی که در اوایل فقط برای بیان مضامین مذهبی بود در این عصر جنبه تزئینی پیدا کرد. برخی از پارچه‌های این عصر در قطع دراز طراحی شده و به عنوان پوشش تابوت یا مقبره به کار می‌رفتند و داری خط نگاره و ادعیه قرآنی هستند و نمونه‌های دیگر دارای اشکال مدور یا هندسی با طرح جانوران روبروی هم یا پشت به پشت و اسلیمی‌های چرخان پر شده هستند که قبل از تدفین و خاکسپاری برای پوشیدن تهیه می‌شدند [ص ۱۱، ۹۴] (تصویر ۷). بر روی طراز در این عصر ظاهراً نام سلطان وقت و گاهی بعد از آن ولیعهد به صورت باریک و ظریف نوشته می‌شدند؛ به همراه حاشیه‌ها و تزئیناتی که با نقش و نگارها بر روی قبای سلطان دیده می‌شد. (رجوع به تصویر ۶).



تصویر ۴ قرن ۵ و ۶ هجری، ابریشم جناغی باف

منسوجات سلجوقی به شکل ردای افتخار به بسیاری از مأموران لایق و با کفایت اهدا می‌شد که با حکم مدال امروزی جوامع غربی برابری می‌کرد. پارچه‌های بدست آمده دوران سلجوقی خود گواه پیشرفت تکنیک و تنوع در رنگ و نقش پارچه در آن زمان هستند. همچنین پارچه‌های سفت تاب و شل تاب که باعث تکامل بافت جناغی پارچه‌های نخی شد و رگه‌های اریب را بر پارچه‌ها نمایان ساخت و حتی زری یا زربفت که پودش از طلا بود در کارگاه‌های سلجوقی شروع شد [ص ۹، ۵۵].

بافت پارچه‌های این دوران و استفاده از خطوط زیبا بر روی این پارچه‌ها نشان می‌دهند که هنر نساجی در این عصر به حد کمال رسیده بود و پارچه‌های لطیف و بی نظیر به جا مانده نیز شاهد زنده‌ای بر این مدعا هستند. در دوران سلجوقی تأثیر اسلوب ساسانی بر پارچه‌ها جای خود را به طرح‌هایی دادند که در آن تعبیرات توریقی اسلامی با خطوط طوماری و اشکال برگ نخلی ترکیب شدند. این هنرمندان بر پارچه‌های ابریشم و زربفت نقش‌هایی از پرندگان و جانوران را به کار می‌بردند [ص ۱۰، ۶۵] پارچه‌ها در این عصر در ابتدا با طرح‌های ساده تولید می‌شدند ولی پس از چندی طرح‌ها دقیق تر و پیچیده تر شدند، به طوری که در دوران شکوفایی سلجوقی طرح‌ها دارای خطوط پیچ و خم دار و یا شکسته بودند و حتی پارچه‌های با بافت مورب طرفداران بیشتری داشتند. پارچه‌های اطلسی و پارچه‌های حریر که رنگشان با تغییر نور، تغییر می‌کردند از پارچه‌های مرسوم در این زمان بودند. پارچه‌های ابریشمی سلجوقیان دارای تزئیناتی متراکم و پر از نقوش ریز می‌باشند که در وسط هر دایره نقش یک یا دو حیوان باستانی به کار رفته است و اشکال گیاهی به صورت محوری در مدار مرکزی عمل می‌کنند (تصویر ۵).

می‌کردند. هنرهای این عهد متأثر از میراث عهد سلجوقی‌اند. در آن زمان تأثیر چین بر جریان هنری ایران حاکم گشت و به خاطر افزایش ورود کالاهای چین به ایران و اینکه تجارت ایران با آن کشور بیشتر شد، تأثیر سبک و روشهای تزینی چینی در صنعت نساجی ایران افزایش یافت طوری که حتی تعداد زیادی از بافندگان چینی به ایران آمدند [ص ۴، ۲۳۴] (تصویر ۸). هر چند این عصر از دوران‌های رکود هنری ایران محسوب می‌شود، طوری که بسیاری از کارگاه‌های پارچه بافی یا به‌طور کلی از بین رفتند و یا اهمیت خود را از دست دادند؛ ولی با این حال ثروتمندان به همراه مردگان خود رداء و پارچه‌های فراوان خاک می‌کردند [ص ۸، ۱۴۲].

از مشخصه‌های پارچه‌های دوران ایلخانی ظرافت و زیبایی، دقت و شکوه و زیاده روی در تزئین و ساخت می‌باشد و این‌ها زمینه‌هایی برای پارچه‌های عهد صفوی هستند.

تداول پارچه اطلسی و انواع پارچه‌های راه راه از مشخصه‌های عهد ایلخانی است و می‌توان گفت تزئین منسوجات این دوره به خاطر تأثیر هنر چین بر هنر این عصر بیشتر به سبک چینی بود [ص ۱۳، ۲۶۱-۲۵۲]. تزئین پارچه‌ها با حواشی، سبکی بود که در عهد ایلخانی رایج شد و این حاشیه‌ها رنگ رنگ شده و تنوع زیبایی در آن‌ها ایجاد گردید. استیلای ایلخانی بر ایران طراحی پارچه را به کلی تغییر داد. نقش‌هایی که از قبل اسلام رایج بودند متروک شدند و برای ایجاد برجستگی و تضاد روی پارچه از الیاف فلزی یعنی رشته‌های طلا که دور ریسمان پیچیده می‌شدند، استفاده می‌کردند. تکرار نقوش بر روی پارچه در این عصر به این جهت بود که در بیننده احساس حرکت مورب به وجود آید و نقوش پارچه‌های ایلخانیان ریشه چینی داشتند، پس می‌توان گفت از مشخصات این دوره سلیقه چینی و ایلخانی در صنعت بافندگی است [ص ۱۴، ۵۴۹].



تصویر ۸ قرن ۸ هجری، تاپستری ابریشم و نخ طلایی



تصویر ۷-۱ قرن ۶ هجری، پوشش مقبره

در این دوران خط با نقش پارچه یکی شده و قسمتهای خالی فضای پارچه را با گل و برگ پر می‌کردند و یا نقشی را به تکرار می‌کشیدند؛ به طوری که تزئینات پارچه‌ها که شامل نگاره‌ها و خوشنویسی در کنار هم بودند در این عصر غنای بیشتری به خود گرفتند و این از ویژگی‌های ابریشم سلجوقی است [ص ۹، ۵۵]. در این زمان و در طرح پارچه‌های ابریشمی، رنگ دخالت مستقیمی ندارد و تنها برای مشخص کردن طرح‌های خطوط به کار می‌رود؛ میتوان گفت طرح پارچه‌های سلجوقی بیشتر جنبه ترسیمی دارند و ارزش حقیقی آن‌ها پس از دقت، از نزدیک آشکار می‌شود به طوری که از دور هم ارزش خود را دارا هستند و این از خصوصیات هنر ایرانی است که در هر فاصله‌ای اعتبار خاصی داشته باشند. نقش‌ها از دور تضاد دو طرح مختلف یک رنگ هستند و هر چه نزدیک می‌شویم جزئیات طرح بیشتر آشکار می‌شود [ص ۱۲، ۳۲].



تصویر ۷-۲ قرن ۶ هجری، پارچه پشم و ابریشم

۴ - خط بر روی پارچه در دوران ایلخانیان

ایلخانیان از ۷۳۶ - ۶۵۰ هجری حکومت کردند. ایلخانیان مسلمان و مذهبشان شیعه بود و از علم و ادب و هنر اسلامی حمایت



۵ - خط بر روی پارچه در دوران تیموریان

تیموریان از ۸۰۷ - ۷۳۶ هجری حکومت کردند. دوره حکومت واقعی تیموریان با سلطنت شاهرخ شروع شد؛ در دوران حکومت وی هنرها به گونه‌ای بی سابقه شکوفا شدند. در این عصر به دلیل نزدیکی هنرها به یکدیگر و تبادل نظر هنرمندان رشته‌های مختلف، این هنرها بر هم تأثیر گذاشتند و در این میان نزدیکی نقاشی مینیاتور به پارچه بافی از نظر موضوعات تزئینی چشمگیر است طوری که برخی از بافندگان، خود طراح و نقاش بودند [۱۵، ص ۷۷] (تصویر ۹).

خوشنویسی از جمله هنرهایی است که روزگار طلایی خود را در عهد تیموری داشته است زیرا توسط خود شاهزادگان و اشراف هم انجام می‌شد و حتی کاربرد آن در سطحی بود که کلماتی از قرآن را برای استفاده در منسوجات و فلز کاری انتخاب می‌کردند. خط نستعلیق هم از جمله خطوطی است که در این عصر رایج شده و بر بناها و کتابها استعمال می‌شد. تزئین با خط در این دوران به اوج کمال خود رسید و عصر طلایی خود را در ایران سیر کرد [۴، صص ۲۹۶ - ۲۹۵] از هنر پارچه بافی این دوره اطلاعات جزئی در دست داریم، زیرا به ندرت قطعه پارچه‌ای که متعلق به این عصر باشد در دست است و اطلاعات به جا مانده از آنها ناشی از نوشته‌های جهانگردان است و یا از روی تصاویر جامه‌ها در مینیاتورها می‌توان تشخیص داد که سبک پارچه‌های ضخیم و پر نقشه و براق مغولان، جای خود را به طرح‌های بازتر و روان تر در عصر تیموری داده است (تصویر ۱۰).



تصویر ۹ اواخر قرن ۹ هجری، ابریشم زربفت

پارچه‌های این عهد را میتوان به چند گروه تقسیم کرد:

- ۱ - پارچه‌های ابریشمی دو پودی مانند دوره سلجوقی، البته نه به میزان کیفیت آن زمان
- ۲ - پارچه زربفت که زر و سیم در آن بسیار به کار رفته و پارچه از نظر وزن سنگین می‌باشد
- ۳ - مخمل و مخمل کم پرز (کمخا=کم خواب)
- ۴ - پارچه‌های نقاشی شده که رواج آن به این دلیل است که پارچه‌های نقاشی شده چینی به ایران وارد شدند و مورد استقبال واقع شدند و این نقش اندازی به دو صورت قالبی و روش موم انجام می‌گرفتند
- ۵ - پارچه‌های دارای دوخته دوزی (پته)



تصویر ۱۰ قرن ۹ هجری، نقاشی از مرقع گلشن

تیمور بسیاری از بافندگان چین و شام را به کشور آورد و آنها را تشویق نمود و بر اثر حضور آنان صنعت نساجی پیشرفت کرد. از امتیازات نساجی تیموری کثرت استعمال نباتات متصل در تزئینات است و همچنین منسوجاتی مانند دیبا و بافته‌های راه راهی که طلا و نقره در آنها به کار رفته است و با اشکال پرندگان به روش چینی تزئین شده اند، می‌باشد و امتیاز دیگر اینکه بافتن پارچه‌های مخملی به صورت بسیار عالی معمول شدند [۱۳، صص ۳۶۸-۳۶۵].

پارچه‌های ایران عهد سلجوقی، جنبه ظریف هنری پیدا کرد زیرا با عوامل سنتی نقاشی ایران درآمیخت و در عهد ایلخانی با هنر نقاشی چینی آمیخته و در عهد صفوی با ذوق هنرمندان زمان تلطیف شد» [۱۵، ص ۷۷].

دوران صفوی از درخشانترین دوره‌های ترقی و تکامل خطوط مختلف ایرانی بخصوص ثلث و نستعلیق و نسخ بوده است؛ به طوری که بسیاری از پادشاهان در این زمان خود خوشنویس بوده و یا علاقه مند به این هنر بودند؛ این هنر تأثیر خود را بر هنرهای دیگر از جمله پارچه بافی در این دوران گذاشت و در کنار تصاویر، ترکیبات زیبایی را ایجاد کردند (تصویر ۱۱). پارچه بافی صفویان، نموداری است از صبر و حوصله و مهارت و استادی بافندگان آن ها، زیرا بافتن این طرح‌های پیچیده، آن هم با رنگ‌های گوناگون، به تغییر و تبدیل بی انتهای دوک و شانه نیاز دارد [۸، صص ۱۹۸ - ۱۹۷]. سبک نقاشی در این دوران بر بسیاری از هنرها تأثیر گذاشت. از آن جمله پارچه بافی بود که تکنیک طرح‌های منسوجات را که به درخشان ترین نتایج ممکن رسیده بود غنای بیشتری داد (رجوع به تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱ قرن ۱۰ هجری، پارچه دورو از ابریشم

امتیاز منسوجات دوران صفوی از نظر به کار بردن رنگ‌های ملایم و تصاویری است که شبیه به حال طبیعی و واقعی می‌باشند و از نظر سبکی وزن و نازکی؛ و همچنین در تار و پود آن‌ها رشته‌هایی از سیم و زر وجود داشت؛ به این ترتیب برزیبایی و تالو پارچه افزوده می‌شد [۴، صص ۲۴۸ - ۲۴۵]. پادشاهان و درباریان در این عصر در استفاده از پارچه‌های زیبا، بسیار زیاده روی می‌کردند و از زیباترین محصولات بافندگان ایرانی، مخمل دارای نقش‌های

نقش مایه‌های پارچه‌ها را در این عصر می‌توان در نسخه‌های خطی مصور دنبال نمود. موضوعات تزیینی در پارچه‌های تیموری و مغول عبارتند از:

- ۱ - نقوش و موضوعاتی که تداوم سبک‌های اولیه اسلام و سلجوقی را نشان می‌دهند
- ۲ - نمونه‌هایی که تأثیرات مستقیم هنر چین را به دلیل ارتباط زیاد با چین نشان می‌دهند
- ۳ - پارچه‌هایی که نقوش تزیینی شان، ویژگی‌های آن دوران را نشان می‌دهند [۱۵، ص ۳۶].

هنرمندان عصر تیموری از تلفیق روشهای سنتی و طرحهای الهام گرفته از طبیعت شرق و طرحهای جدید به سبک اسلیمی به طرح پارچه ایرانی زمان خود دست یافتند. در کنار اینکه بعضی از موتیف‌ها به همان صورت گذشته استفاده می‌شدند ولی برخی نیز به سبک ترکیب و تلفیق با یکدیگر تغییر یافته و در جهت رسیدن به ظرافت بیشتر تکامل یافتند [۱۶، صص ۹ - ۵].

۶ - خط بر روی پارچه در دوران صفویان

بعد از تیموریان ایران وارد دوره‌ای شد که مورخان آن را اعتلای ایران به مرحله دولت ملی، دوران صفوی خوانده‌اند. صفویان از ۱۱۴۹ - ۹۰۸ هجری حکومت کردند. عمر طولانی سلسله صفوی و استحکام جنبه مذهبی و فرهنگی، موجب تقویت و تحکیم هنر آن دوران گشت. تولیدات و محصولات هنری عهد صفوی، کاملاً ویژگی و مشخصه ایرانی داشتند. عصر طلایی بافندگی و نساجی ایران را در عصر صفوی می‌دانند. صنعت نساجی در این عصر مقام رهبری را بین حرفه‌های دیگر به عهده داشت. نقطه آغازین نفوذ فرهنگی اروپاییان در ایران عصر صفویه می‌باشد. راجر سیوری صنعت نساجی ایران صفوی را چنین توصیف می‌کند: «دوره صفویه نقطه اوج نساجی هم می‌باشد. رونق ایران در زمان صفویه تقاضای داخلی را افزایش داد و البسه گرانبها و عمارات آراسته با پرده‌های زیبا، تحسین سیاحانی که از دربار ایران بازدید می‌کردند را بر می‌انگیخت و در اروپای عصر رنسانس و روسیه، تمایلی نسبت به اشیای تجملی ایران پیدا می‌شد» [۱۲، ص ۳۲]. در این عصر نساجی به هیچ وجه اصالت و عظمت کهن خود را از دست نداد، بلکه رنگهای شادی آفرین و شکوه و جلال فنی به آن اضافه شد. عاملی که باعث شد هنر نساجی حتی در سالهای آخر و رو به زوال صفوی همچنان مترقی بماند مهارت و بلند نظری و مواد مناسبی بود که در کارگاه‌ها ایجاد شده بود. صفویه، از بسیاری جهات وارث سنت‌های هنری تیموریان در هرات و خراسان بود. پس با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت که «طراحی



تصویر ۱۳ - ۱ قرن ۱۰ هجری، پیراهن کتان منقش

قوی و رنگ‌های بدیع هنری است. در دوران صفوی به دلیل حمایت زیاد از هنر کتاب آرایی، این هنر بر هنر پارچه بافی نیز تأثیر مثبت گذاشت. از ویژگی‌های هنر پارچه بافی صفوی که از عهد تیموری آغاز شد و در این عصر به اوج رسید، همکاری نقاشان و نساجان در کانون‌های هنری بود و بسیاری از طراحان پارچه از هنرمندان نقاش معروف بودند.

تزیین پارچه‌ها در عصر صفوی عبارت بودند از نقوش انسانی و حیوانی و پرندگان و گل و گیاه با موضوعاتی از داستانهای رزمی و بزمی اقتباس شده از شاهنامه و نظامی (تصویر ۱۲).



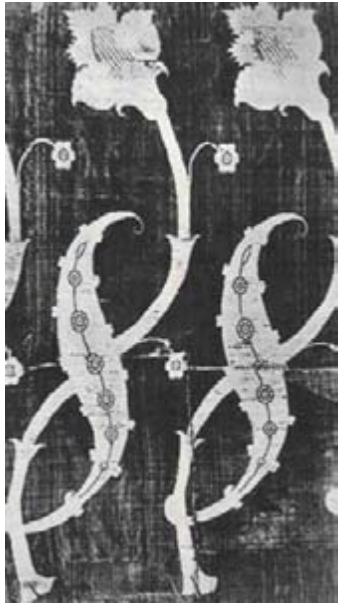
تصویر ۱۲ قرن ۱۱ هجری، دیدار شیرین توسط خسرو



تصویر ۱۳-۲ قرن ۱۰ هجری، پرده از نوع قلمکار کتیبه دار

خانم برزین عصر صفویه را از نظر صنعت پارچه بافی عصر طلایی می‌نامد و می‌نویسد: زری نوشته دار از پارچه‌های رایج دوران صفویه بوده است. غالباً این طرح را برای روپوش قبور و یا جهت پرده‌هایی که در مقبره‌ها و یا اماکن متبرکه مورد استفاده قرار می‌گرفته، می‌یافته‌اند. نمونه‌ای از آن قطعه زری زمینه طلایی است از ابریشم قرمز و سورمه‌ای که با سوره «اذا جاء نصرالله والفتح... الی آخر» به‌طور مکرر منقوش گردیده است [ص ۱۷، ۳۵۵] (تصویر ۱۴).

گرایش به جنبه تصویری در پارچه‌ها در عصر صفوی چنان قوت گرفت که یکی از مشخصه‌های آشکار پارچه‌های ایرانی در این عصر گردید. بین تزیینات پارچه و نقاشی‌ها و نقش و نگارهای کتاب‌های خطی، پیوند و رابطه نیرومندی پدید آمد. بر پارچه‌های قلمکار این عصر آیات قرآن و دعا و احادیث با خطوط کوفی، نسخ، ثلث و غبار نقش می‌شدند که از نمونه این پارچه‌ها، پیراهن‌هایی با محتوای آیه الکرسی یا دعای نادعلی برای رفع امراض و بلاها می‌باشند (تصویر ۱۳). پارچه‌هایی نیز با روش دوخته دوزی بودند که با توجه به کاربرد نوع خط رایج، به بیان آیات قرآن، دعا، احادیث، اشعار و ضرب‌المثل‌ها و گاه نام بافنده و یا سفارش دهنده بر روی آن می‌پرداختند. در کل می‌توان اشاره کرد که استفاده از موضوعات داستانهای ایرانی از دوره سلجوقی بر پارچه‌ها رایج شد و در دوران تیموری و صفوی به دلیل نزدیکی نقاشی و کتاب سازی به پارچه موضوعات داستانهای حماسی و عاشقانه از رکن‌های اصلی تزیین پارچه شد [ص ۱۵، ۷۷].



تصویر ۱۶ قرن ۱۱ هجری، ابریشم بافته با نخ‌های فلزی



تصویر ۱۴ قرن ۱۱ هجری، قسمتی از پارچه زری دارایی، متعلق به پوشش قبر



تصویر ۱۵ قرن ۱۱ هجری، ابریشم بافته با نخ‌های فلزی

۷ - نتیجه گیری

با توجه به موارد بیان شده و مقایسه تصویری میان نمونه‌های به جا مانده از منسوجات دوره‌های اسلامی در ایران می‌توانیم دسته‌بندی زیر را داشته باشیم:

پارچه‌ها در دوران اسلامی دارای کاربردهای مختلفی بودند. یک دسته از پارچه‌ها به مصرف لباسهایی می‌رسیدند که بر آنها آیه و دعا و نوشته‌هایی در مدح شاهان و بزرگان نقش شده‌اند و دسته دیگر به صورت پارچه که شامل دعا و آیه هستند و برای پوشش سنگ قبر به کار می‌رفتند. کاربرد دیگری که پارچه‌ها داشتند به صورت هدیه بودند که شاهان و بزرگان به مناسبت‌های مختلف به یکدیگر اهدا می‌کردند (رجوع به تصاویر ۱۳، ۲).

پارچه‌ها در دوران اسلامی یا به صورت یک رو بودند و یا دو رو. اگر پارچه یک رو باشد تقارن عناصر روی پارچه (خط‌نوشته و یا عناصر تزئینی)، کاربرد تزئینی دارند. ولی اگر دورو باشند علاوه بر کاربرد تزئینی، قابلیت خوانایی هم دارا می‌باشند (رجوع به تصویر ۱۱). موضوع دیگری را که در مورد پارچه‌ها در دوران اسلامی می‌توان اشاره کرد رابطه خط در طراحی پارچه با توجه به کاربرد آن می‌باشد، این که متن نوشته شده بر روی پارچه با توجه به کاربرد استفاده پارچه متفاوت می‌باشد. پارچه بسته به این که برای استفاده لباس است یا پوشش سنگ قبر یا برای اهدا و... می‌تواند شامل مضامین مختلف باشد. حتی نوع خط نیز با توجه به کاربرد پارچه تغییر می‌کند.

خط در طرح پارچه به شیوه‌ها و با ترکیبات مختلفی ظاهر شده است. اگر خط به عنوان موتیف استفاده شود و کاربرد تزئینی

- با همه تنوع و گوناگونی نقش‌های تزئینی روی پارچه‌های اسلامی آنها را به چند گروه می‌توان تقسیم کرد:
- ۱- نقوش انسانی نمایش داده شده در صحنه‌های بزم و رزم و شکار (رجوع به تصویر ۱۲).
 - ۲- نقوش حیوانی (رجوع به تصویر ۴).
 - ۳- نقوش و طرح‌های گیاهی (رجوع به تصویر ۸).
 - ۴- طرح‌های مختلف هندسی (رجوع به تصویر ۱).
 - ۵- نقوش اساطیری (رجوع به تصویر ۱).
 - ۶- طرح و نقوش استلیزه مانند بته جقه، ترنج و لچکی (تصویر ۱۵).
 - ۷- نقوش و طرح‌های اسلیمی و ختایی (تصویر ۱۶).
 - ۸- طرح محراب با اشکال مختلف بخصوص در عهد صفوی (رجوع به تصویر ۱۱).
 - ۹- به کارگیری انواع خط کوفی، ثلث، نسخ، غبار، نستعلیق که تابع رواج نوع خط در ادوار خود بودند. (رجوع به تصاویر ۱۴، ۲).



فرم‌های اولیه بصری در ساختار خود حروف چه اشکالی نقش بازی می‌کنند؛ نقطه، خط، سطح‌هایی مانند دایره، مربع، مثلث، ویژگی بعدی را که می‌توان مورد توجه قرار داد محدوده خطوط است. ممکن است نوشته کادر مشخصی نداشته باشد ولی محدوده خطوط، کادر فرضی ایجاد می‌کند مانند مستطیل عمودی، دایره، نیم دایره و حضور خط کرسی از ویژگی‌های دیگر بصری است که به اشکال مختلف بر روی پارچه‌ها ظاهر می‌شوند مانند خط کرسی راست و منحنی؛ که خود کرسی منحنی نیز در قالب منحنی باز و منحنی بسته بر روی پارچه‌ها دیده می‌شدند.

فضای مثبت و منفی نسبت به محدوده خط نیز عامل دیگر بصری بر روی پارچه‌ها است. به عنوان مثال خط نستعلیق با فضای مثبت و منفی خود کادر و خط کوفی با فضای کل پارچه سرو کار دارد. نسبت میان فضاها مثبت و منفی محصور در کادر فرضی ساخته شده نیز عامل مهم بصری است که بر ترکیب نقش در پارچه تأثیر می‌گذارد. عامل مهم دیگر نیز استفاده از فضای منفی در بین حروف دارای ساختار عمودی می‌باشند؛ اینکه آیا در فضای منفی لابلای حروف کوفی، تزییناتی وجود دارد یا نه؟

میزان حضور بصری خط در طرح پارچه نیز از عوامل مهم دیگر بصری است؛ اینکه سهم نوشته چند درصد از کل پارچه را به ازای تصویر در بر دارد (در اینجا تعداد کرسی‌های موجود در هر قطعه نوشته روی پارچه نیز اهمیت دارند). نوشته‌ها می‌توانند به عنوان یک عامل تزیینی و مانند یک کادر اطراف پارچه را فرا بگیرند و یا به عنوان یک عنصر تزیینی در بینابین تصاویر و به صورت منظم واقع شوند. حتی نوشته مانند یک قطعه خطی می‌تواند به صورت متوالی تکرار شود.

از عوامل دیگر و مهم بصری، تزیینات اطراف خطوط هستند؛ اینکه تزیینات می‌توانند به صورت خطی ظاهر شوند و یا به صورت نقوش تو پر عمل کنند؛ نیز ارتباط تزیینات با خط، قابل اهمیت هستند. به این صورت که تزیینات از ترکیب خطی تبعیت می‌کنند؛ یا اینکه تزیینات از محدوده خطی تبعیت کرده و مستقل از ترکیب خطی می‌باشند و یا تزیینات از ترکیب خطی تبعیت کرده و متصل به عناصر خطی هستند. مواردی که در فوق به آن‌ها اشاره شدند از عوامل بصری بودند که در ترکیبات پارچه‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کردند. در پایان، جدول ۱ که شامل دسته بندی نمونه‌هایی از پارچه‌های دوران اسلامی، بر اساس خوشنویسی، نقش، خوشنویسی در کنار نقش؛ و جدول ۲ که دسته بندی پارچه‌ها بر اساس نقوش گیاهی، جانوری، خوشنویسی و انسانی تنظیم شده‌اند، ارایه می‌گردد.

داشته باشد از زوایای مختلفی می‌توان آن را بررسی کرد. اینکه موتیف‌ها به صورت متقارن در پارچه ظاهر شوند؛ چه در حالت تقارن عمودی و چه به صورت تقارن افقی در ترکیب پارچه به کار روند و یا اینکه موتیف‌ها به صورت یک نوشته و متوالی تکرار شوند. باید توجه داشت هنگامی که خط به صورت موتیف چه در حالت تقارن و چه به صورت تکرار بر روی پارچه ظاهر می‌شوند رسالت رساندن یک پیام خاص را به عهده ندارند یعنی خوانایی آن‌ها لازم نبوده و نوشته‌های روی پارچه ممکن است فقط به عنوان یک عامل تزیینی عمل کنند (رجوع به تصاویر ۱۴، ۱۱، ۴).

انتخاب خطوط مناسب برای طراحی پارچه بسیار مهم می‌باشد اینکه حروف موجود در نوشته از نظر قابلیت تصویری بالا بوده و از نظر فرم‌های هندسی مانند دایره، مثلث، ... متنوع باشند. باید توجه داشت که شیوه بافت بر روی فرم حروف تأثیر گذاشته و باید حتی‌المقدور روشی را برای بافت پارچه‌های نوشته دار انتخاب نمود که تغییرات اساسی بعد از بافت پارچه در فرم حروف، شکل نگیرند (رجوع به تصاویر ۱۱، ۳).

نکته مهم دیگری را که در اینجا می‌توان بررسی نمود آن است که خط‌ها با توجه به نوعشان امکان تنوع در ترکیب بندی را دارا می‌باشند. در خط نستعلیق این امکان وجود دارد که برای پر کردن فضای منفی، حروف را بر روی هم سوار کنند و در خط کوفی این امکان وجود دارد که برای پر کردن فضای منفی، خود حروف، تزیینات را در بر داشته باشند (رجوع به تصاویر ۱۴، ۷).

خط‌ها با توجه به فرم شان امکان نوشتار را بر کرسی‌های مختلف داشته‌اند. به عنوان مثال خط کوفی به دلیل این که فضای کمی را در زیر خط کرسی اشغال می‌کند این امکان را دارا است که بر کرسی‌های منحنی بنشیند و با توجه به کشیدگی حروف، ترکیب زیبایی را ایجاد کند (رجوع به تصویر ۷).

در نمونه‌هایی از پارچه‌ها که مخصوصاً در دوران صفوی بیشتر هستند، دیده می‌شود که نقاشی جزئی از طراحی پارچه بوده است و در کنار این طرح‌ها، نوشته‌هایی نیز در شرح تصاویر ظاهر شده‌اند؛ دقیقاً مانند نگارگری‌ها در آن زمان که در ترکیب نقاشی، نوشته نیز حضور داشته است (رجوع به تصویر ۱۲).

بعد از اسلام و نزول قرآن حروف و کلمات جنبه تقدس به خود گرفتند و حضور آنان بر روی پارچه هم این حس تقدس را به همراه داشت پس حضور کلمات و الفباء بر روی پارچه برای القای فضای تقدس بوده است که در دوران مختلف با توجه به حضور هر خط بر روی پارچه‌ها ظاهر شدند مانند انواع خطوط کوفی، نسخ، ثلث، نستعلیق، حضور خطوط بر روی پارچه‌ها را از نظر ویژگی‌های تصویری آن می‌توان مورد توجه قرار داد. یکی از ویژگی‌ها ساختار بصری خطوط است؛ اینکه به لحاظ وجود

جدول شماره ۱

خوشنویسی و نقش	نقش	خوشنویسی	
			<p>آل بویه</p>
			<p>سلجوقی</p>
			<p>ایلخانی</p>
			<p>صفوی</p>

جدول شماره ۲

انسانی	خوشنویسی	جانوری	گیاهی	
				آل بویه
				سلجوقی
				ایلخانی
				صفوی

۸ - منابع

[۱۷] غیبی، مهرآسا؛ «هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی»؛ انتشارات هیرمند؛ تهران ۱۳۸۵.

- [۱] اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابر؛ «هنر و معماری اسلامی(۱)»؛ ۶۵۰/۱۲۵۰؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران؛ انتشارات سمت؛ ۱۳۸۴.
- [۲] آزاد، میترا؛ «معماری ایران در قلمرو آل بویه»؛ تهران؛ انتشارات کلیدر؛ ۱۳۸۱.
- [۳] دیماند، موریس اسون؛ «راهنمای صنایع اسلامی»؛ ترجمه عبدالله فریار؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۸۳.
- [۴] محمد حسن، زکی؛ «تاریخ صنایع ایران(بعد از اسلام)»؛ ترجمه محمد علی خلیلی؛ تهران؛ انتشارات اقبال؛ ۱۳۶۳.
- [۵] بیکر، پاتریشیا؛ «منسوجات اسلامی»؛ ترجمه مهناز شایسته‌فر؛ تهران؛ انتشارات مطالعات هنر اسلامی؛ ۱۳۸۵.
- [۶] شیمل، آن ماری؛ «خوشنویسی و فرهنگ اسلامی»؛ ترجمه دکتر اسدالله آزاد؛ مشهد؛ مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی؛ ۱۳۶۸.
- [۷] چیت ساز، محمد رضا؛ «تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول»؛ تهران؛ انتشارات سمت؛ ۱۳۷۹.
- [۸] ویلسن، ج. کریستی؛ «تاریخ صنایع ایران»؛ ترجمه عبدالله فریار؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ چاپ اول ۱۳۳۶.
- [۹] فریه، ردلیو؛ «درباره هنرهای ایران»؛ ترجمه پرویز مرزبان؛ تهران؛ انتشارات فرزانه؛ ۱۳۷۴.
- [۱۰] پرایس، کریستین؛ «تاریخ هنر اسلامی»؛ ترجمه مسعود رجب نیا؛ تهران؛ انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ۱۳۴۷.
- [۱۱] یارباراند؛ «هنر اسلامی»؛ ترجمه مهناز شایسته‌فر؛ تهران؛ انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی؛ ۱۳۸۳.
- [۱۲] اپهام پوپ، آرتور؛ «شاهکارهای هنر ایران»؛ اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۸۴.
- [۱۳] حقیقت(رفیع)، عبدالرفیع؛ «تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، از کهن ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجاریه»؛ از مانی تا کمال الملک؛ تهران ۱۳۶۹.
- [۱۴] زرین کوب، عبدالحسین؛ «تاریخ ایران(جلد۴)»؛ از ظهور اسلام تا آمدن دولت سلجوقیان؛ گرد آورنده ن فرای - تهران»؛ انتشارات امیر کبیر؛ ۱۳۷۹.
- [۱۵] روح فر، زهره؛ «نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی»؛ تهران؛ انتشارات سمت؛ ۱۳۸۰.
- [۱۶] آکرمن، فیلیس؛ «نساجی سنتی در ایران (قسمت دوم)، قرن ۱۵ و اوایل ۱۶ میلادی»؛ ترجمه فروهر نور ماه، زربندخت صابر شیخ؛ تهران ۱۳۶۳.